

# حکیم و فقیه مجاهد

ویژه نامه ارتحال حضرت علامه مصباح قدس سره

## انا لله و انا اليه راجعون

مردی که بودن با «خدا» را «زندگی» و زندگی بی «قرآن» و «عترت» را ماندگی می خواند، نامش در دفتر زندگان تاریخ ماندگار شد.  
مردی که تا «دعای فرج» نمی خواند، کسی را به راهی فرا نمی خواند، راهی برای همسایه «ظهور» شد.  
مردی که دیروز «حوزه» را به «فردای» آن پیوند زد و سیره سلف صالح را سلوک نسل امروز ساخت، خطی از نور از «فیضیه» تا «مؤسسه امام» شد.  
مردی که تا قامتش در قاب نگاهی جای می گرفت، چشمه «بصیرت» در آن می جوشید، در قلبها چون رودی از «رحمت» جاری شد.  
مردی که به دل سپاه «شبهه» زد، لشکر «التقاط» را زمین گیر کرد، پرده از چهره «نفاق» برداشت، و «اسلام ناب» را در سایه سار «ولایت» معنا کرد، در کنار «امام و شهیدان» آرام گرفت.





## آشنایی اجمالی با زندگی حضرت علامه آیت‌الله مصباح یزدی (ره)

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

قال علي عليه السلام «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَلَّمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَاثَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَّا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» ارتحال جانگداز فقیه مجاهد و عارف وارسته و عمار انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی رحمت‌الله علیه، در سالگرد شهادت مالک‌اشتر زمان و همزمانی آن با دهه بصیرت، جامعه مسلمان ایرانی و بخصوص حوزه‌های علمیه و مراکز علمی جهان اسلام را در دریایی از غم و اندوه فرو برد.

علامه محمدتقی مصباح در سال ۱۳۱۳ در شهر یزد به دنیا آمد. ایشان با کسب نمره عالی به عنوان نفر اول استان، در سال ۱۳۲۶ وارد حوزه علمیه یزد شد و دروس مقدمات، منطق، معانی بیان، شرح لمعه و قوانین و قسمت عمده رسایل و مکاسب محرره را تا سال ۱۳۳۰ به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف عزیمت نمود. ولی به دلیل مشکلات خانوادگی و تامین رضایت پدر و مادر تنها یک سال در نجف تحصیل کرد و به ادامه تحصیل را در حوزه علمیه قم انتخاب کرد و در سن ۲۳ سالگی به مقام اجتهاد نائل آمد.

### ورد به قم



به هنگام ورود به حوزه علمیه قم، بقیه‌ی مکاسب و نیز کفایه را خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری به اتمام رساند و سال بعد، در درس خارج فقه

مرحوم آیت‌الله بروجردی - رضوان‌الله علیه - و در درس‌های تفسیر و اسفار علامه‌ی طباطبایی (ره) شرکت کرد. هم‌زمان با شرکت در درس آن دو بزرگوار، در درس اصول حضرت امام (ره) شرکت می‌کرد که حدود هشت سال طول کشید. در محضر علامه‌ی طباطبایی حدود ده سال، اسفار و الهیات شفا خواند. برهان شفا را هم در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه نزد ایشان خواند و در درس فقه و اصول امام (ره) هم‌چنان شرکت می‌کرد. بعد از وفات مرحوم آقای بروجردی در درس فقه آیت‌الله بهجت شرکت کرد و این دوره در حدود پانزده سال ادامه داشت که طهارت و مکاسب و خیرات را از محضر ایشان استفاده کرد.

مدارج علمی ایشان به حدی بود که حضرت امام (ره) وقتی کتاب فقهی «البیع» را می‌نویسند، قبل از انتشار به آیت‌الله مصباح می‌دهند تا ایشان نیز نظرشان را اعلام کنند. و همچنین علامه طباطبایی (ره) قبل از انتشار «تفسیر المیزان»، آن را به شاگرد خود مصباح یزدی می‌دهد تا بازبینی کنند. دقت نظر های آیت‌الله به حدی بود که حضرت علامه طباطبایی (ره) به دیگران فرموده بود: «آقای مصباح در المیزان ما شریک هستند»<sup>۲</sup>

مراودات روحی و معنوی و اخلاقی ایشان با استادی مانند امام خمینی (ره) و آیت‌الله بهجت تأثیر فوق‌العاده‌ای بر روح و روان استاد مصباح به جای گذاشت. تعابیر عجیب استاید درباره آیت‌الله مصباح، خود نشان دهنده عمق ارادت و اعتماد آن عزیزان به این ثمره و محصول شجره مبارک حوزه علمیه است که به فرموده مقام معظم رهبری «از برکات خدا بر ملت و بر حوزه‌ها و بر جوانان»<sup>۳</sup> است و به فرموده آیت‌الله مشکی‌نئی (ره): او یکی از خزانه‌های وجودی ماست.<sup>۴</sup>

علامه مصباح به مدت ۸ سال (از سال ۱۳۳۲) در دروس فقه و اصول حضرت امام خمینی (ره) شرکت نمود. آنچه قبل از هر چیز استاد را جذب امام نمود، بینش سیاسی و شجاعت و غیرت دینی او بود که استاد را نیز به مبارزات سیاسی وارد نمود.

رابطه استاد و شاگردی به جایی رسید که در موردی که حضرت امام (ره) نیاز به دو شاهد داشت، و حضرت استاد مصباح آن شخص را تأیید فرمود، امام (ره) فرمود: «شهادت ایشان

کافی است».<sup>۵</sup> حدس استاد مبنی بر آزادی سریع حضرت امام (ره) از زندان، در نامه معروفی که با «جعلت فداک» آغاز می‌شد، بعد از آزادی امام مورد توجه مرادش قرار می‌گیرد و با لبخندی به ایشان می‌فرماید: «حدس شما صائب بود».<sup>۶</sup> و این چنین مجتهد جوان ۲۸ ساله، مورد توجه رهبر نهضت قرار می‌گیرد.

وجود استاد در آن دوران خفقان پهلوی، انگیزه تشنگان را برای بهره‌مندی بیشتر می‌کرد. اما حضرت امام وقتی شنید که عده‌ای از روستا برای دعوت منبر نزد آقای مصباح آمدند، فرمود: ایشان از علما و فضلا می‌باشند. اگر خودشان تمایل داشتند که بروند، مانعی ندارد؛ ولی باید قدرش را بدانند و حرمتش را نگه دارند.<sup>۷</sup>

بعد از پیروزی انقلاب نیز عنایت حضرت امام به آیت‌الله مصباح فزونی یافت تا آن‌جا که بعد از شنیدن گزارش فعالیت‌های واحد آموزش موسسه در راه حق (که زیر نظر آیت‌الله مصباح بود)، و تقدیم گزارش با جمله: «برای ادامه این کار از هیچ مقامی تقاضایی نداریم، ولی این کار قابل توسعه است»، این پاسخ امام را می‌شنوند که فرمود: «این جا را تا دو برابر توسعه دهید و تا زمانی که من زنده هستم شخصا بودجه آن‌ها را می‌پردازم» و بعد از چند روز در میانه سال تحصیلی، امام امت پیغامی فرستاد: «از همین حالا اینجا را توسعه دهید».<sup>۸</sup> و به دستور امام به تولیت حرم حضرت معصومه (س)، زمینی در اختیار آیت‌الله مصباح قرار گرفت.<sup>۹</sup>

اهمیت فعالیت‌های آیت‌الله مصباح، برای امام به خوبی قابل درک بود و اعتماد و ارادت امام امت به این شاگرد خدومش بیش از آنی بود که تصورش را می‌کردند؛ چراکه در دوران حیات خویش شخصا بر کمک مالی به دو نهاد را تأکید ویژه داشتند: یکی حزب الله لبنان و دیگری موسسه زیر نظر آیت‌الله مصباح.<sup>۱۰</sup>

### محضر علامه طباطبایی (ره)

استاد مصباح همچنین از سال ۱۳۳۱، به مدت ۱۴ سال در درس عمومی علامه طباطبایی (ره) که شامل تفسیر و فلسفه (اسفار، الهیات و برهان شفا) می‌شد و نیز ۱۰ سال خصوصی (شامل اخلاق و عرفان) به طور منظم شرکت داشت. این نظم و پشتکار به اندازه‌ای بود که مرحوم علامه طباطبایی (ره) بخشی از کار کتاب شریف «تفسیر المیزان» را جهت بررسی به استاد سپرده و بعدها به رسم تقدیر از شاگرد در جمع دوستان فرمود: «فلانی (مصباح) هم در تفسیر ما شریک شده است».<sup>۱۱</sup> این ارتباط در ایام تابستان نیز ادامه داشت و حضرت استاد در «تفسیر المیزان»، ملازم علامه و حکم دستیار برای ایشان پیدا کرد.<sup>۱۲</sup>

ناگفته نماند که علامه طباطبایی (ره) در سه سطح عمومی (درس رایج حوزه)، خصوصی (فلسفه هفتگی) و محرمانه (عرفانی) شاگرد داشته‌اند که آیت‌الله مصباح در هر سه گروه بار یافته بود. عمده بهره‌برداری حضرت استاد، از علامه طباطبایی بود که به فرموده استاد:

ما در عمر خودمان به دنبال یک فرد مهذب و متقی، که هم فقیه باشد، هم به فلسفه اسلام آشنا باشد و هم به عرفان آشنا باشد، می‌گشتمیم و بحمدالله این گوهر گران‌بها و کمیاب را پیدا کردیم.<sup>۱۳</sup>

حضرت آیت‌الله مرتضی تهرانی (ره) (از شاگردان حضرت امام (ره) و از استاید اخلاق تهران) درباره شخصیت آیت‌الله مصباح و ارتباط ایشان با علامه طباطبایی می‌فرماید:

آیت‌الله مصباح یکی از بزرگترین شاگردان علامه طباطبایی بودند. شاید استفاده‌ای که ایشان از علامه نمودند، کسی از شاگردان خصوصی ایشان هم نکردند... بنده هر موقع مشرف می‌شوم به مشاهده مشرفه، حتما ایشان را دعا می‌کنم... اینکه می‌گویند آقای مصباح حکیم هست ولی عارف نیست، غلط است. ایشان هم عارف است و هم حکیم. ایشان انسانی بسیار لطیف و حکیمی بسیار متواضع و عالمی والا مقام هستند. قدر

ایشان شناخته نشد. با این که ایشان از بسیاری از هم‌سطحان خود در درس علامه بالاتر بودند بنده در ۱۳ سال اقامت در قم و شرکت در درس علامه و آقای بروجردی و امام، کسی را چون ایشان ندیدم.<sup>۱۴</sup>

آیت‌الله مصباح هم‌زمان در درس فقه (طهارت، مکاسب، خیرات) مرحوم آیت‌الله بهجت حضور داشت که برهه زمانی ۱۵ ساله را شامل شد. آشنایی با آیت‌الله بهجت ابتدا با رفت و آمد به منزل ایشان برای بهره‌گیری اخلاقی و عرفانی بود که بعد از آگاهی از قدرت علمی مرحوم آیت‌الله بهجت (ره)، کلاس درس نیز به این مراودات اضافه شد.

مرحوم آیت‌الله بهجت که به ظاهر جز به عبادت و مسایل علمی نمی‌پردازد، مشوق آیت‌الله مصباح برای ورود به عرصه سیاست می‌شود. آیت‌الله مصباح خود می‌فرماید:

شاید کسانی که دورا دور ایشان را فقط در حال عبادت و نماز یا درس دیده باشند، فکر می‌کنند که ایشان به مسایل سیاسی و اجتماعی چندان توجهی ندارند. بنده باید عرض کنم که بزرگترین مشوق خود بنده در پرداختن به مسایل سیاسی و اجتماعی خود ایشان بوده‌اند... حتی گاهی پیغام‌های خاصی برای حضرت امام در ارتباط با همین مسایل سیاسی می‌دادند که در یک موردش بنده با یکی دیگر از دوستان واسطه در رساندن این پیام خاص به حضرت امام بودیم.<sup>۱۵</sup> حضور سیاسی حضرت استاد به قدری در نهضت موثر بود که علاوه بر پرونده‌های مختلف در ساواک، و تعقیب و گریز و گاه دستگیری، حضرت آیت‌الله بهجت را بر آن می‌دارد تا سفارش «جان» او را به شاگردانش بکند و بگوید: «مواظب ایشان باشید».<sup>۱۶</sup> مشابه جمله‌ای که مقام معظم رهبری در دیدار با ایشان فرمودند: به علت مسافرت‌های متعددی که انجام می‌دهید، نگران - جان - شما هستم.<sup>۱۷</sup>

این رابطه استاد و شاگردی میان مرحوم آیت‌الله بهجت و استاد مصباح به جایی می‌رسد که قبل از پیروزی انقلاب عده‌ای از بازاربان قم خدمت آیت‌الله بهجت می‌رسند و درخواست درس اخلاق می‌کنند تا خودشان یا روحانی مورد تأیید خودشان درس اخلاق برقرار کنند. آیت‌الله بهجت فرموده بودند:

آقای مصباح یزدی مورد تأیید من است. بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می‌خواهم که درس اخلاق را بیان کنند.<sup>۱۸</sup> و این درس اخلاق تا مدت‌ها در منزل و مهدیه مرحوم اسلامی در قم ادامه داشت. اعتماد و اعتقاد فی ما بین استاد و شاگرد، به اندازه‌ای است که در ایام فعالیت‌های سیاسی و متواری بودن استاد از دست ساواک، شخص حضرت آیت‌الله بهجت به همراه همسر و فرزندانش، برای خانواده استاد آذوقه می‌برند.<sup>۱۹</sup>

### دیگر استاید اخلاق و عرفان

آیت‌الله مصباح، در کنار استاید رسمی حوزه، از محضر آیت‌الله انصاری همدانی (ره) نیز بهره‌ها برد که آشنایی با ایشان در مشهد و در ضمن یک سوال اتفاق افتاد. استاد مصباح از مرحوم انصاری همدانی (ره) برای سیر و سلوک راهی می‌خواستند. مرحوم همدانی (ره) کتاب لقاءالله را توصیه می‌کنند. استاد مصباح می‌گویند در این کتاب چیزهایی است؛ مثلاً ذکر یونسیه پیشنهاد شده در حالی که از اهل بیت (ع) نرسیده است. مرحوم همدانی (ره) فرمود بودند:

رسیده. «قرآن می‌فرماید: «فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المومنین»<sup>۲۰</sup> ... خیال می‌کنید ذکر نتوانده مومنین را نجات می‌دهند یا خوانده؟ حضرت یونس این ذکر را خواند که نجاتش دادند... آیا از این دلیل بهتر می‌خواهید؟<sup>۲۱</sup> و این ماجرا سرآغاز ارتباط عمیق آیت‌الله مصباح با مرحوم آیت‌الله انصاری همدانی (ره) می‌شود. همچنین مراودت و پی‌گیری جلسات درس

اخلاق مرحوم آیت‌الله بهاء الدینی (ره) از برکات عمر آیت‌الله مصباح است. کسانی که با روحیات مرحوم بهاء الدینی آشنایی داشته باشند می‌دانند که ایشان با کسی تعارف نمی‌کرد و حتی در مواردی که طرف التماس دعا داشت، جمله «با دعا کسی آدم نمی‌شود»<sup>۲۲</sup> تحویل می‌داد. اما وقتی حضرت استاد در سال‌های ۵۶ - ۵۷ در جلسه اخلاق شرکت می‌کند و همان دم درب می‌نشیند، مرحوم بهاء الدینی (ره) بلند شده و ایشان را در کنار خود می‌نشانند و مضمونی را می‌گویند که درباره احدی بکار نبرده بودند: «من در تو سیمای قرآن را می‌بینم».<sup>۲۳</sup> حضور مستمر و اطمینان بخش علامه در محضر آیت‌الله بهاء الدینی (ره) به قدری بود که مرحوم آیت‌الله میرزا حسن ابوترابی (ره) (یزدی) نقل می‌کند:

ما یزدی‌ها جلساتی داشتیم. آقای بهاء الدینی حدیث می‌گفت، و آیت‌الله مصباح، آن احادیث را برایمان شرح می‌کرد. یک روز آیت‌الله بهاء الدینی فرمود، راه کسب اخلاص، توسل به ابی عبد الله الحسین (ع) است و آیت‌الله مصباح این مطلب را شرح داد.<sup>۲۴</sup>

همانطور که در ابتدا اشاره شد، بهره‌های روحی و اخلاقی معنوی آیت‌الله از مربیان اخلاق و تربیت، بیش از بهره‌های علمی و عقیدتی است و نیازمند مقال و مجال دیگریست. همین اندازه که وقتی یکی از استاید موسسه از حضرت آیت‌الله پرسید: شما با این همه سابقه شاگردی در محضر علامه، چطور یک عکس با علامه ندارید؟ ایشان بعد از اندکی تأمل فرموده بود:

رعایت احترام استاد اقتضا می‌کرد که من هیچگاه در کنار ایشان نمی‌نشستم و هیچ‌گاه در پهلوئی ایشان نمی‌ایستادم.<sup>۲۵</sup>

### فعالیت‌های علمی و فرهنگی

آیت‌الله علامه مصباح یزدی که در حوزه‌های مختلف همانند فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، اخلاق و عرفان تحت تربیت استاید بسیار برجسته و بزرگوار پرورش یافته بود، به استادی بزرگ در حوزه‌های علمیه تبدیل شد. لذا ایشان شاگردان بسیاری را تربیت کرد که بسیاری از آنان اکنون در حوزه‌های مختلف علمی به استایدی برجسته تبدیل شده‌اند.

همچنین استاد، علاوه بر تدریس در رشته‌های مختلف علمی دارای مکتوباتی می‌باشد. استاد مصباح یزدی، تاکنون کتب فراوانی در زمینه‌های گوناگون اسلامی، نگاشته است که بخشی از آن‌ها مربوط به پیش از انقلاب و برخی مربوط به بعد از انقلاب می‌باشد.

نظر به گستردگی و فراوانی کتاب‌های ایشان به چند کتاب مهم ایشان اشاره می‌کنیم: خدائشناسی؛ کیهان‌شناسی؛ انسان‌شناسی؛ راه‌راهنماشناسی؛ قرآن‌شناسی؛ اخلاق در قرآن؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن؛ حقوق و سیاست در قرآن؛ آموزش فلسفه؛ شرح نه‌ایه الحکمه؛ شرح اسفار الاربعه؛ دروس فلسفه اخلاق؛ خودشناسی برای خودسازی؛ بر درگاه دوست؛ نقدی فشرده بر اصول مارکسیسم؛ آموزش عقاید؛ قرآن در آینه نهج‌البلاغه؛ نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه؛ نظریه سیاسی اسلام؛ نظریه حقوقی اسلام و نیز ده‌های کتاب دیگر.

### خدمات علمی و فرهنگی

آیت‌الله مصباح، در زمینه علمی و فرهنگی، از دیر باز، خدمات شایانی را ارزانی داشته‌اند و هر دوره - بنا به مقتضیات آن دوره - حرکت فرهنگی متناسبی را آغاز نموده‌اند. جدیت ایشان و نیز نظم و واقع‌بینی ممتاز ایشان، باعث می‌شد که اغلب حرکت‌های فرهنگی ایشان، نتایج مثبتی را به همراه آورد. استاد مصباح، از ابتدای ورود خود به حوزه علمیه قم، متوجه کاستی‌های موجود در این حوزه شده بودند و آن‌گونه که خود نقل می‌کنند، در انتظار فرصتی بودند تا بتوانند برای آن، راه حلی مناسب پیدا کنند. ایشان نارسایی‌های موجود را در سه حوزه نظام آموزشی، مسائل اخلاقی و روند تبلیغی بازشناخته بودند و آن‌ها را در نامه‌ای تنظیم کرده

بودند این نامه که آیت‌الله مشکی‌نئی آن را با خطی خوش باز نوشته بود، امضای دو بیست تن از بزرگان حوزه، از جمله «آیت‌الله حاج آقا مرتضی حائری» و «مرحوم آیت‌الله فکوری» را به همراه داشت. ایشان این نامه را به محضر حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی تقدیم داشتند و آیت‌الله بروجردی نیز نامه را مورد عنایت قرار داده، محتوای آن را تأیید نمودند و در جمع علمای تراز اول حوزه که به مناسبت عید نوروز خدمت ایشان شرفیاب شده بودند، مطرح کردند و درخواست کردند نسبت به تشکیل درس اخلاق در حوزه و جبران کاستی‌های حوزه تدابیری اندیشیده شود. آرمان‌های اصلاحی حوزه، مدرسه‌ای جدید را می‌طلبد که با یک برنامه ریزی ویژه، بتواند طلاب کوشا و با استعداد را در مدتی کوتاه‌تر و با کیفیتی بهتر به جامعه ارزانی دارد. این مهم، با همت شهید آیت‌الله بهشتی و مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی میسر شد و مدرسه‌ای با نام «حقانی» تأسیس شد. این مدرسه را فردی خیر به نام حاجی حقانی ساخت که خود، از تاجران زنجان و از ارادتمندان به حوزه روحانیت شیعه بود. مرحوم آیت‌الله قنوسی نیز به ریاست این مدرسه منصوب گردید. شهید قنوسی نیز از استاد مصباح برای تدریس دعوت به عمل آورد و استاد نیز به تدریس فلسفه، تفسیر و اخلاق پرداخت. پس از چهار سال، به درخواست شهید قنوسی مبنی بر شورای شدن اداره مدرسه، استاد به عضویت هیأت مدیره آن مدرسه در می‌آیند. ثمره این تلاش جمعی، تربیت طلابی فرهیخته بود که هم اکنون در نهادهای گوناگون نظام جمهوری اسلامی به فعالیت می‌پردازند.



پذیرفتن بخش آموزش مؤسسه «در راه حق» نیز از فعالیت‌های مثبت و از خدمات شایان استاد مصباح یزدی بود. ایشان به سبب نفوذ عقاید ماتریالیستی و مارکسیستی فرهنگ غرب در ذهن جوانان و با التفات به خلا موجود در حوزه در زمینه این مباحث، تصمیم به ساماندهی بخش آموزش مؤسسه در راه حق که آیت‌الله «خرازی» مؤسس آن بود گرفتند. بخش آموزش این مؤسسه، طلاب را بدین شرط می‌پذیرفت که دست کم دو سال درس خارج را گذرانده باشند و پس از گذراندن مصاحبه علمی که آقایان مظاهری، یزدی و استاد مصباح انجام می‌دادند، آن‌ها را می‌پذیرفت.

استاد مصباح، با مشاهده توطئه‌های اعتقادی دشمنان در آغاز انقلاب، بر آن شدند که برای حفظ و نگهداری از نهال نوپای انقلاب، گروهی از طلاب را به اقصی نقاط کشور گسیل دارند و خود نیز درس رسمی حوزه را تعطیل کردند تا برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب، بتوانند در مراکز گوناگون به سخنرانی و پاسخ به شبهات بپردازند. همچنین نظر به ضرورت امور دانشگاه‌ها در آن سال‌های حساس، استاد مصباح در طرحی، تأسیس مرکزی به نام «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را پیش نهادند که به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید و ثمرات آن تا هم اکنون، در میان دانشگاه‌ها آشکار است.

دیگر از خدمات آیت‌الله مصباح یزدی، تأسیس «بنیاد فرهنگی باقر العلوم» بود که فارغ التحصیلان مؤسسه در راه حق را برای گذراندن دوره‌های تخصصی علوم انسانی به خود فرا می‌خواند. این مرکز، در یازده رشته به خدمات می‌پرداخت که عبارت بودند از: علوم قرآنی،





ی) نامه‌ی جمعی از علما و فضلا به هویدا در اعتراض به ادامه تبعید امام(ره)، ۳۰ آبان ۴۴. (ک) نامه‌ی جمعی از فضلا و محصلان حوزه‌ی علمیه به مراجع ایران و عراق در اعتراض به بازداشت جمعی از فضلا، فروردین ۴۵. (ل) تلگرام به برخی از فضلاء حوزه در حمایت از آنان و اعتراض به بازداشت ایشان، فروردین ۴۵. (م) نامه‌ی اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امام؛ ۱۴ خرداد ۴۹. (ن) اعلامیه‌ی اساتید و فضلا درباره‌ی فاجعه خونین ۱۹ دی قم، ۱۲ بهمن ۵۶. (س) اعلامیه‌ی حادثه‌ی کشتار یزد، ۱۶ فروردین ۵۷. (ع) اعلامیه‌ی راجع به اوضاع اسفبار ایران، ۲۵ فروردین ۵۷. (ف) نامه‌ی جمعی از استادان حوزه‌ی علمیه قم، به رئیس جمهوری فرانسه در حمایت از حضرت امام(ره)، ۱۸ آذر ۵۷. علاوه بر تایید و امضای آیت‌الله مصباح، گاه اعلامیه‌ها و نامه‌ها را انشاء و یا با دست خط خود می‌نوشتند.

### مبارزه با اندیشه‌های انحرافی

با شروع نهضت اسلامی و استقبال گسترده از اندیشه‌های دینی، عده‌ای خواسته و هوشمندانه و برخی ندانسته و ناآگاهانه کالای افکار غربی و شرقی را به بازار تقاضای عمومی تزریق کردند و آگاهان نکته سنج و متعهد را به نگرانی و تکاپو واداشتند. آیت‌الله مصباح از جمله افراد ژرف اندیش و ظریف بینی بود که در مقابل این جریان‌های بی‌ظاهر انقلابی عکس العمل نشان داد و با جسارت به مبارزه با آن‌ها پرداخت. در خاطرات منتشر شده آیت‌الله مصباح، در این باره آمده است:

«در آن زمان نسبت به مسائل مذهبی یک گرایش‌های التقاطی پدید آمده بود. بنده روی سلیقه خاصی که داشتن، نسبت به این مساله خیلی حساس بودم... کسانی از افراد انقلابی و علاقمند به اسلام و روحانیت و امام(ره) بودند که صریحا می‌گفتند ما باید اقتصاد سوبالیستی را در ایران پیاده کنیم. تنها راه صلاح کشور این است که اقتصاد ایران سوبالیستی بشود یا کسان دیگری بودند... که صریحا می‌گفتند مارکسیست‌ها یک بخشی از اسلام را گرفته اند و ما هم یک بخش دیگری را. حقیقت اسم دو چیز است، یکی اعتقاد به خدا و معنویت و یکی هم عدالت اجتماعی که عدالت اجتماعی اش را مارکسیست‌ها گرفته‌اند و اعتقاد به خدایش را ما! اگر ما مارکسیست‌ها را توأم با اعتقاد به خدا کنیم، می‌شود اسلام. صریحا می‌گفتند و شخصیت‌های گمنامی هم نبودند... متأسفانه در

شماست که از این دو نفر به نحو لازم و مقتضی استفاده کنید. این دو نفر یکی مرحوم شهید باهنر بود و یکی هم آقای مصباح یزدی، که آن‌جا برای اولین بار اسم آقای مصباح به گوش من خورد و اصلا آشنایی ما با آقای مصباح از آن‌جا شروع شد. می‌دانید که ما در رأس مؤتلفه، پنج روحانی بزرگوار داشتیم: شهید محلاتی، شهید مطهری، شهید بهبهشتی، شهید باهنر و آیت‌الله مصباح یزدی. از مرحوم امام خواسته بودیم در مسائل مختلفی که پیش می‌آید، مثل انتشار اعلامیه یا برپایی تظاهرات سیاسی، اگر دسترسی به شما پیدا نکردیم، چه کنیم؟ امام فرموده بودند، حضرت آیت‌الله بهبهشتی و آقای مطهری هستند، به این‌ها مراجعه کنید... حالا ببینید آیت‌الله بهبهشتی که این طور مورد اعتماد امام(قدس سره) بودند، برای کارهای بسیار خطیری که ما داشتیم... آقای باهنر و آقای مصباح را به عنوان جانشین خود معرفی کردند و فرمودند من در تمام قم در بین آقایان، آقای مصباح یزدی و آقای باهنر را معرفی می‌کنم.»<sup>۱۴</sup>

### صدور اعلامیه و انتشار نامه‌های سرگشاده

صدور اعلامیه و انتشار نامه‌های سرگشاده در دوران پر التهاب نهضت اسلامی از سوی بزرگان که مورد اعتماد مردم بودند، تأثیر به‌سزایی در حل معضلات انقلاب و پیشبرد آن داشته است. از این رو آیت‌الله مصباح به همراه دیگر علما به مناسبت‌های مختلف اعلامیه‌ها و نامه‌های سرگشاده‌ی مزبور را امضا و تأیید می‌کردند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«الف) نامه‌ی اعتراض‌آمیز فضلا و مدرسین حوزه‌ی علمیه قم به هیأت دولت نسبت به بازداشت حضرت امام(ره) ۸ مهر ۴۲. (ب) نامه جمعی از علما به آیت‌الله العظمی میلانی در تجلیل و دفاع از حضرت امام(ره) ۵۹ دی ۴۳. (ج) نامه‌ی جمعی از علما به آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در تجلیل و دفاع از حضرت امام(ره) ۱۱ دی ۴۳. (د) نامه‌ی جمعی از علمای حوزه به هویدا درباره‌ی اوضاع نابسامان ایران ۲۹ اسفند ۴۳. (ه) نامه فضلا و محصلین یزدی به هویدا در اعتراض به تبعید حضرت امام(ره) اسفند ۴۳. (و) نامه‌ی جمعی از استادان حوزه‌ی علمیه قم به نخست وزیر درباره‌ی هجوم مأمورین رژیم به حرم حضرت معصومه(ع) ۵ فروردین ۴۴. (ز) نامه جمعی از علما و استادان حوزه‌ی علمیه قم به هویدا درباره وضعیت امام(ره) ۱۲ فروردین ۴۴. (ح) نامه فضلا و محصلان حوزه‌ی علمیه قم به حضرت امام(ره) در ادامه‌ی تبعید ایشان از ترکیه به نجف، مهرماه ۴۴. (ط) نامه‌ی جمعی از فضلاء یزدی مقیم قم به امام(ره) در پی ادامه تبعید ایشان، ۳ آبان ۴۴.

بیدارگرانه‌ی شیعه و پیروی از مرام خاندان پیامبر اکرم(ص) می‌دانست. از همین رو هیأت‌های اسلامی مساجد و تکایای تهران را پس از آزمون‌های فراوان و آگاهی‌دهی به خطرات این مبارزه، دعوت به هماهنگی با یکدیگر زیر نظر شهید مطهری و آیت‌الله دکتر بهبهشتی نمود. گروه‌هایی که زیر نظر شهید بهبهشتی فعالیت می‌کردند، چهار گروه عمده بودند که هیأت‌های دیگر را نیز تحت پوشش داشتند. مسئولیت هدایت تبلیغی بخشی از گروه‌ها با آیت‌الله مصباح بود و همه‌ی آن‌ها زیر نظر هیأت مرکزی فعالیت می‌نمودند. آیت‌الله مصباح سالیان متمادی برای این گروه اندیشه‌ی دینی و حکومت اسلامی را تدریس می‌نماید که زمینه ساز آشنایی این گروه‌ها با فلسفه سیاسی اسلام و به خصوص رکن رکن آن ولایت فقیه می‌شود. آیت‌الله مصباح در این رابطه می‌گوید: «جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی به دستور حضرت امام با اتحاد هیأت‌های مذهبی تشکیل شد و نماینده‌ی از امام خواستند و امام چند نفر را به عنوان نماینده معرفی کردند، از جمله شهید مطهری و شهید دکتر بهبهشتی که نقش محوری داشتند... در جلساتی که در تهران تشکیل می‌شد و آقایان آن را اداره می‌کردند و اداری یکی از آن‌ها هم به عهده‌ی من بود. فعالیت‌هایی برای تقویت فکری، سیاسی، اعتقادی و مذهبی انجام می‌گرفت. گروه‌هایی روزنامه‌ها را مطالعه کرده و اخبار مهم آن را استخراج می‌کردند و بعضی دیگر رادیوها را گوش می‌دادند. من در قم چند رادیوی عربی را گوش می‌کردم و مطالبش را یادداشت می‌نمودم و سپس هفته‌ای یکبار به تهران می‌رفتم و مطالب را تحویل شهید باهنر می‌دادم، تا در آن جلسات مطرح شود. از طرف دیگر، برای تقویت بنیه فکری و اعتقادی افراد کار می‌شد، از جمله یک بخش مباحثی که من مطرح می‌کردم، بحث حکومت اسلامی بود و این که حکومت مورد نظر اسلام چه منبای نظری و چه پایه‌هایی دارد.»

آقای مصطفی حائری‌زاده - از اعضای فعال هیأت‌های مؤتلفه در دوران مبارزه با استبداد ستم‌شاهی - خاطره‌ی جالبی را از رابطه‌ی شهید بهبهشتی و آیت‌الله مصباح در خصوص مؤتلفه اسلامی باز می‌گوید:

«وقتی حضرت آیت‌الله بهبهشتی(قدس سره) می‌خواستند به آلمان تشریف ببرند - خوب ما این‌جا مبارزات مخفیانه‌ای داشتیم و سال ۴۲ و ۴۳ که امام تبعید شده بودند و همه تحت تعقیب بودند، مرحوم بهبهشتی هم اجبار پیدا کردند به آلمان تشریف ببرند - قبل از این که تشریف ببرند در جلسات مؤتلفه فرمودند، در مدت زمانی که من نیستم، به جهت حرکت‌های سیاسی و تشکیلاتی دو نفر را به شما سفارش می‌کنم و دیگر با خود

ما هم با آنها هم کاری می‌کردیم». پس از مدتی که از انتشار نشریه بعثت گذشت، آیت‌الله مصباح اقدام به انتشار نشریه دیگری به عنوان «انتقام» کرد. این نشریه با محتوایی تقریباً مشابه محتوای مقالات بعثت، اما کمی رادیکال تر توسط حضرت آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی تهیه، تنظیم، تکثیر و توزیع می‌شد. در واقع، استاد همه کار این نشریه را از تهیه و نوشتن مقالات و اخبار و تایپ و چاپ و حتی دسته بندی و توزیع، خود به تنهایی انجام می‌داد و این علاوه بر همکاری صمیمانه ایشان با نشریه بعثت و نوشتن مقالات برای آن و یا شرکت در بعضی از جلسات آن در زمان انتشار بود. آیت‌الله شهید بهبهشتی که از این جریان اطلاع داشتند، یکی از اعضای هیأت مؤتلفه را جهت توزیع به عنوان رابط به حضرت استاد معرفی می‌کنند و این نشریات در بین اعضای هیأت مؤتلفه به فروش می‌رسید و پولش را برای شماره بعد به استاد بر می‌گرداند. البته اکثر هزینه‌های این نشریه از جیب خود استاد تهیه می‌گردید.

### عضویت در گروه انقلابی یازده نفره

یکی دیگر از کارهای مهم در جهت مبارزه با رژیم طاغوت آن بود که با هدف هماهنگی و همکاری نیروهای هم‌فکر امام، تعداد محدودی از یاران و شاگردان امام(ره) تشکیلاتی به نام هیأت مدرسین را شکل می‌دهند که بعد ها تبدیل به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گردید.

آیت‌الله مصباح به عنوان مسئول بخش تبلیغات این هیأت انتخاب می‌شود و اساس نامه بسیار پرمحتوا و پرمجاری هیأت را می‌نویسد. آیت‌الله مصباح در رابطه با این تشکیلات، اهداف و چگونگی شکل‌گیری آن می‌گوید: «در ابتدای نهضت فعالیت‌ها به صورت حرکت‌های پراکنده و کارهای ساده سیاسی از قبیل تظاهرات محدود و پخش اعلامیه‌های متفرق بود و حتی بزرگان حوزه هم از هر جهت، توافقی و هماهنگی لازم را نداشتند. طبعاً دیگران هم کارهایی که انجام می‌دادند، سازمان یافته و برنامه ریزی شده نبود. ولی به هر حال با کمک بعضی از دوستان، فعالیت‌هایی به صورت اجتماعی یا انفرادی انجام می‌دادیم تا این که مبارزات در پانزده خرداد به اوج خود رسید و حضرت امام(ره) را بازداشت کردند. در این بین افرادی که علاقمند به ادامه مبارزه بودند، گفتند: حال که امکان دسترسی مستقیم به شخص حضرت امام(ره) نیست، خوب است افراد با تجربه تر و کسانی که دارای فکر بهتر و موقعیت اجتماعی بالایی هستند با یکدیگر همکاری داشته باشند و تشکیلی پدید آید تا فعالیت‌های پراکنده تمرکز پیدا کند و یک نوع رهبری در مورد کارهای مردمی وجود داشته باشد. این فکر باعث شد تا افرادی که امتیازاتی یا سوابق و موقعیت‌های اجتماعی داشتند با هم ارتباط برقرار کنند یا ارتباط‌های قبلی را عمیق تر کنند. کم‌کم این فکر به وجود آمد که باید تشکیلات واحدی در بین روحانیت به وجود آید تا بتواند مبارزات را رهبری کند. به خصوص با توجه به تجربیاتی که در عدم هماهنگی مراجع بعد از تبعید حضرت امام(ره) دیده می‌شد و اختلاف سلیقه‌هایی که بین آن‌ها پدید آمده بود و در مردم هم اثر می‌گذاشت، لذا احساس شد که باید در بین فضلاء حوزه که در سطح پایین تری از مراجع بودند، هماهنگی و وحدتی ایجاد شود. طرح ایجاد تشکیلی سیاسی - روحانی ریخته شد و گروهی که به «گروه یازده نفری» معروف شد، به وجود آمد. برای این مجموعه اساس نامه‌ای تنظیم و کمیته‌هایی در نظر گرفته شد و سعی گردید که این تشکیلی تقویت شود و فعالیت‌های مبارزاتی با این مجموعه ارتباط پیدا کرده و شکل بگیرد و توسط آن رهبری شود.»

### ارتباط با هیأت‌های مؤتلفه اسلامی

از دیگر فعالیت‌های مبارزاتی آیت‌الله مصباح یزدی، ارتباط ایشان با هیأت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی است. از آن‌جا که فعالیت‌های حزبی نتوانسته بود با جامعه ارتباط برقرار کند، لذا حضرت امام(ره) مناسب‌ترین شیوه‌ی مبارزه را مبارزه‌ی مردمی در چارچوب اعتقادات و تفکر

اقتصاد، تاریخ، کلام و دین‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، مدیریت، علوم سیاسی، فلسفه، حقوق، جامعه‌شناسی و... با توسعه مؤسسه در راه حق و بنیاد باقرالعلوم و نیز گسترش روز افزون طلاب، نیاز به فضای گسترده‌تر با امکانات بیشتر، محسوس بود، تا این که با تدبیر استاد مصباح و عنایت ویژه حضرت امام خمینی(ره) و آیت‌الله‌خامنه‌ای، «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» بنا شد. این مؤسسه تاکنون هزاران نفر از طلاب فاضل را تحت پوشش خود قرار داده است و در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم تربیتی، علوم سیاسی، مدیریت؛ ادیان و... فارغ‌التحصیل شده‌اند.

از جمله مهم‌ترین اقدامات حضرت علامه مصباح یزدی در جهت آشنایی جوانان به خصوص دانشجویان با مبانی دینی اقدام به راه اندازی «طرح ولایت» نمودند که در طول بیست سال گذشته جمع زیادی از دانشجویان و اساتید دانشگاه را تحت پوشش قرار داده است. مقام معظم رهبری در اهمیت این طرح فرمودند: «این دوره‌ای که شما گذرانده‌اید دوره معارف و آگاهی‌های دینی و اسلامی(طرح ولایت) یکی از کارهای بسیار با ارزش و یکی از سرمایه‌هایی است که در جامعه ما و در کشور ما بحمدالله فراهم شده است. هر کدام از شما به خودی خود و به تنهایی یک سرمایه‌اید؛ این سرمایه را عزیزان من حفظ کنید.»(۱۳۸۰/۶/۶)

### سوابق مبارزاتی

یکی از مهم‌ترین خصوصیات آیت‌الله مصباح یزدی داشتن سابقه طولانی مبارزه با طاغوتیان و استکبار جهانی است. این سابقه طولانی به دو بخش قبل از انقلاب و بعد از انقلاب تقسیم شده و حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود و دارای سبک و سیاق منحصر به خود نیز می‌باشد.

### مشی مبارزه

آیت‌الله مصباح در مبارزه با رژیم طاغوت، رازداری و عدم تظاهر را به شدت رعایت می‌کردند. روش ایشان مبتنی بر مخفی کاری و رازداری و عدم تظاهر بود. همین امر باعث گردیده تا کسانی گمان کنند که در برهه‌ای از زمان در مبارزات ایشان، توقیفی حاصل شده است اما در واقع این تاکتیک خاصی بود که ایشان در مبارزه برگزیده بودند. و این امر نه به خاطر ترس و وحشت از رژیم بود؛ بلکه ناشی از برگزیدن یک شیوه مبارزاتی مخفیانه بود که به اعتراف همگان پیامدهای خوبی هم داشت. به طوری که تا مدت‌های زیادی حضرت آیت‌الله مصباح برای ساواک شناخته شده نبودند.

### انتشار نشریات بعثت و انتقام

یکی از حوزه‌هایی که آیت‌الله مصباح برای مبارزه با طاغوت در دوران قیل از انقلاب برگزیده بودند، انتشار نشریه بود؛ که می‌توان از نشریاتی با نام «بعثت» و «انتقام» یاد کرد. بعد از بازداشت حضرت امام(ره) که منجر به رشد و فراگیری نهضت اسلامی شد، برخی از نیروهای مستعد و انقلابی حوزه بر آن شدند تا نشریه‌ای به نام «بعثت» را منتشر کنند. این نشریه که روی کرد سیاسی و پرخاصیت داشت، توانست روزنه‌ای هر چند کوچک اما نوظهوری را به روی پیروان امام(ره) بگشاید و تأثیرات ماندگاری را به جا گذارد. آیت‌الله مصباح از جمله فعالان این نشریه بودند. حضرت آیت‌الله مصباح در این باره خود می‌گوید:

«بعد از این حضرت امام(ره) را به تهران بردند و مدتی تحت نظر و زندانی بودند، به این فکر افتادیم که سعی کنیم یک وسیله تکثیری فراهم کنیم و یک نشریه‌ای را منتشر بکنیم. البته این کار ابتدا به وسیله چند نفر دیگر شروع شد که نشریه‌ای به نام بعثت را سامان دادند. ما هم به عنوان یکی از نویسندگان با آن‌ها همکاری داشتیم. گاهی یک مقاله‌ای می‌نوشتیم و احیاناً برای توزیع و تکثیرش هم یک کمک‌هایی می‌کردیم. ولی کار را دیگران شروع کرده بودند...»





این جهت هم بنده تنها بودم و بعدها مرحوم شهید مطهری هم در این مسیر قدم برداشتند... کاری که آن وقت می‌توانستم بکنم، یکی این بود که آن چه مربوط به مسائل عقیدتی می‌شد را در کلاس در خلال مطالب مطرح کنم و یکی هم در جلساتی که با مردم اعم از طلاب و قشرهای دیگر مردم از بازاری ها و دانشگاهی‌ها داشتیم در آن جا مطرح کنم... این دو راه در اختیار ما بود، نه روزنامه‌ای می‌توانستیم داشته باشیم، روزنامه‌ها همه در اختیار دولت بود و کسی اگر می‌خواست در روزنامه چیزی بنویسد، اولاً تحت تاثیر شدید دستگاه بود و ثانیاً یک نوع همکاری با دستگاه تلقی می‌شد و نه راه دیگری برای برخورد با اینم افکار داشتیم، اولاً من منبری نبودم و ثانیاً اگر منبری هم بودم، در آن وقت‌ها منبر رفتن کار آسانی نبود و به امثال ما اجازه منبر رفتن نمی‌دادند. این بود که ما سعی کردیم برای مبارزه با جریان التقاط فقط این دو وسیله استفاده کنیم... به هر حال، ما یک تنه در این میدان قدم گذاشتیم و حالا نمی‌دانم که چه قدرش در پیشگاه الهی مقبول واقع شده، ولی جریانات بعدی نشان داد که فکر ما غلط نبوده و احساس خطرهای مان به جا بوده است... پس از انقلاب مبارزات ایشان با گروه‌های انحرافی و افکار انحرافی همچنان با شجاعت ادامه داشت؛ و ملامت ملامت کنندگان و ترور شخصیتی ایشان توسط رسانه‌های معاند خارجی

### دفاع مقدس و جبهه مقاومت

داخلی وابسته به هیچ عنوان مانع از بیان حق و حقیقت از سوی ایشان نگردد. تلاش‌های این فقیه برجسته در بیان حق و حقیقت و از سوی دیگر غیرت این مرد بزرگ در دفاع از ولایت فقیه و حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، به میزانی موثر و عمیق بود که او را به خار چشم دشمنان این نظام و انقلاب مبدل کرد.

یکی دیگر از فعالیت‌های استاد در بعد از انقلاب، حضور فکری و فیزیکی حضرت علامه در دفاع مقدس است. به گونه‌ای که ایشان به همراه فرزندان در جبهه‌ها حضور می‌یافتند که حضور ایشان در منطقه جنگی فاو و نیز سخنرانی در قرارگاه خاتم ارتش به یادماند است<sup>۲۷</sup> که مجموعه آن سخنرانی‌ها که برای طلاب و رزمندگان ایراد می‌شد، با عنوان «جنگ و جهاد در قرآن»، سال‌ها بعد منتشر شد.

نزدیکان ایشان همچون فرزندان و داماد و نیز برخی اطرافیان نیز به طور جداگانه در جبهه‌ها حضور می‌یافتند تا آن‌جا که چند تن از شاگردان ایشان به مقام شهادت نائل آمده و تا امروز که موسسه ایشان حتی شهید مدافع حرم نیز تقدیم جامعه اسلامی کرده است.

یکی از شهدای شاخص و برجسته شهید مصطفی ردانی پور بود که مدتی در جلسات آیت‌الله شرکت می‌جست و استاد نیز توجه

خاصی به این شاگرد جوان خود داشت. یکی از دوستان شهید می‌گوید:

رسم شهید مصطفی ردانی پور این بود که بعد از عملیات‌ها در فرصت‌های مرخصی به قم می‌آمد و ضمن زیارت حضرت معصومه (س)، رزمندگان را به دیدار علما می‌برد. یکبار بعد از دیدار با آیت‌الله مظاهری، به موسسه در راه حق رفتیم. در راه پله‌های موسسه در راه حق بودیم که دیدیم آیت‌الله مصباح یزدی در حال بالا آمدن از پله‌ها است. ایشان قبل از انقلاب، استاد مصطفی بود و مصطفی هم به ایشان ارادت قلبی داشت. به محض این که مصطفی به استادش دست داد، آیت‌الله مصباح خم شد، دست مصطفی را بوسید. مصطفی تکانی خورد و رنگش از شرم سفید شد. آیت‌الله این قدر سریع این کار را کرد که مصطفی نتوانست هیچ واکنشی نشان بدهد و خشکش زد. بعد از آن مصادف شد و خدمت استادش عرض ادب نمود. آیت‌الله مصباح دست شاگردی را بوسید که درس و بحث را رها کرده و به میادین جهاد رفته بود. این عمل آیت‌الله، معنای زیادی داشت.<sup>۲۸</sup>

پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی، تقویت مبانی فکری و ایدئولوژیکی مسلمانان غیرایرانی به طور جدی توسط حضرت علامه مصباح پی‌گیری می‌شد. ارتباط با کشورهای مختلف غیر مسلمان و نیز ارائه مقالات و برگزاری کنفرانس و سخنرانی در ده‌ها کشور، پس از

دوران جنگ تحمیلی به طور چشم‌گیری افزایش یافت. در سال‌های اخیر، تقویت بنیه فکری و روحی رزمندگان اسلام در جبهه مقاومت نیز مورد توجه استاد قرار گرفت. برگزاری دوره‌های عقیدتی برای جبهه مقاومت و رزمندگان لبنان و نیز خط‌دهی به روحانیون سپاه قدس و تبیین دستاوردهای مقاومت در منطقه و جهان از جمله مواردی است که به طور مکرر از سوی حضرت آیت‌الله صورت پذیرفته است.

در این میان تقویت عاطفی و روحی رزمندگان و نیز خانواده‌های شهدای شاخص و فرماندهان مقاومت همواره مد نظر حضرت آیت‌الله بود. دیدار با خانواده‌های شهدای مقاومت لبنان و عراق، دلجویی‌ها و دیدارهای مکرر ایشان با خانواده شیخ زکراکی و بانوان شیعه کویت و خانواده عماد مغنیه و نیز ارتباط با سیدحسن نصر الله (بیر کل حزب‌الله لبنان) و شیخ نعیم قاسم (جانشین دبیر کل حزب‌الله لبنان) و حمایت و پشتیبانی معنوی از حزب‌الله لبنان و خط مقاومت در منطقه به خصوص سپاه قدس و ارتباط ویژه با سردار حاج قاسم سلیمانی، نشان از دغدغه‌های جدی حضرت آیت‌الله نسبت به جبهه مقاومت در مبارزه با کفر و استکبار و صهیونیسم جهانی است.

حجت‌الاسلام علی شیرازی نماینده ولی فقیه در سپاه قدس، بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی به محضر آیت‌الله مصباح می‌رسند و در نقل

خاطرهای می‌گوید:

ما در جلسات شورای نیرو (سپاه قدس) مباحثی را از کتاب شما در شورا می‌گفتم. یک روز قضیه حضرت موسی را گفتم که خدا فرمود: این بار باید با کسی بیایی که از خودت بدتر باشد. جلسه که تمام شد، سردار سلیمانی گفت این ماجرابی را که نقل کردی، از کجا نقل کردی؟ گفتم از کتاب اخلاق آیت‌الله مصباح نقل کردم. گفت: کتاب‌های اخلاق ایشان را بیاور من بخوانم. بنده هم سه جلد را گرفتم و به ایشان دادم. ایشان خیلی اهل مطالعه بود. در سفرها خیلی مطالعه می‌کرد. به یک ماه نکشید، به من گفت هر سه کتاب را خواندم. نکته برداری کردم. کتاب‌های دیگر هم اگر هست بیاورید. یک سری کتاب دیگر هم به ایشان دادم. دو بار یا سه بار از من مطالبه کتاب کرد که من می‌فرستادم و مطالعه می‌کرد. همان روز جمعه که ایشان شهید شد، همه در دفتر نیرو جمع شدیم. یکی از بچه‌های دفتر به من گفت: ایشان ظهر سه شنبه که می‌رفت، لیستی داده و گفته است برای من تهیه کنید. وقتی لیست را دیدم، نوشته بود: نوارهای اخلاق آیت‌الله مشکینی، نوارهای اخلاق آیت‌الله مصباح، نوارهای اخلاق آیت‌الله جوادی، نوارهای اخلاق آیت‌الله مظاهری و نوارهای اخلاق آقامجتبی تهرانی و نوار صوتی صحیفه سجادیه را برایم تهیه کن و بیاور. می‌خواهم در سفرها در دسترسم باشد و گوش کنم.<sup>۲۹</sup>

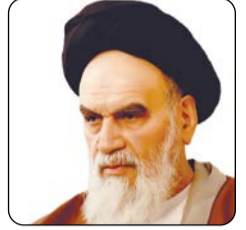
### پی‌نوشت‌ها

۱. مصاحبه آیت‌الله رجیبی، قائم مقام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲. همان.
۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی - ۷۷/۹/۲۵.
۴. حقیقت شرق، ص ۵۸ - زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص ۲۸۳.
۵. زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص ۲۸۳.
۶. همان. ص ۲۰۰.
۷. اندیشه ماندگار، ص ۳۶.
۸. حقیقت شرق، ص ۱۵۶.
۹. [tarbiyati.iki.ac.ir/content](http://tarbiyati.iki.ac.ir/content).
۱۰. نقل از: حجت‌الاسلام رحیمیان در گفتگو با روزنامه ایران، ۱۳۷۸/۳/۱۹.
۱۱. گفت‌وگو با مصباح، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۴۴.
۱۲. اندیشه ماندگار، ص ۴۰ و ۵۸.
۱۳. گفت‌وگو با مصباح، ص ۴۵ - اندیشه ماندگار، ص ۳۰.
۱۴. دیدار با اعضای هیئت تحریریه مجله عصر اندیشه در مشهد؛ خرداد ۱۳۹۵ - پایگاه خبری و تحلیلی شهدای ایران، ۱۳۹۵/۳/۲۵ - کد خبر: ۱۲۰۸۲۷.
۱۵. همان، ص ۵۳.
۱۶. گفت‌وگو با مصباح، ص ۱۴۷.
۱۷. حقیقت شرق، ص ۵۶.
۱۸. گفت‌وگو با مصباح، ص ۵۴ - زندگی‌نامه آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص ۳۱.
۱۹. حقیقت شرق، ص ۷۰.
۲۰. انبیا، ص ۸۸.
۲۱. گفت‌وگو با مصباح، ص ۵۰.
۲۲. ماهنامه خیمه، ش ۱.
۲۳. زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص ۶۶.
۲۴. نقل از آیت‌الله کعبی، درس خارج جهاد، جلسه ۳۳ - ۱۳۹۵/۹/۱۶.
۲۵. اندیشه ماندگار، ص ۳۹.
۲۶. مصباح دستان، ۹۶، ۹۴، ۹۴.
۲۸. گفت‌وگو با مصباح، ص ۱۵۹ - ۱۵۳.
۲۹. مشرق نیوز، ۱۳۹۲/۱۱/۱۷ - کد خبر: ۲۵۸۱۸۶.
۲۹. دیدار نماینده ولی فقیه در سپاه قدس با آیت‌الله مصباح، ۱۳۹۷/۱۱/۱۷.



## بیانات بزرگان در مورد علامه مصباح یزدی (ره)

حضرت امام خمینی (ره):



آقای مصباح دوشهادتین است.

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی):



۱. خاستگاه مبانی فکری اسلام

به نظر من یکی از چیزهایی که می‌تواند خیلی کمک کند به این قضیه، این است که از کتاب‌های شهید مطهری، از معارفی که امروز بزرگانی بحمدالله هستند، از قبیل آقای مصباح و دیگران که واقعا مبانی فکری اسلامی دست این هاست، از این‌ها استفاده کنند. حتی می‌شود این‌ها را ساده کرد. شما می‌توانید این کار را بکنید. (دیدار با جمعی از نوجوانان حافظ و قاری قرآن کریم ۸۰/۴/۵)

۲. عقبه تئوریک نظام

مجموعه‌ای از متفکران، علما، و سابقه‌دارها در امر دین عقبه تئوریک نظام هستند و آن را تشکیل می‌دهند... الان ما در حوزه قم علمایی داریم، بزرگانی داریم، صاحب‌نظرانی داریم، اندیشه‌پردازان یا تئوریسین‌ها و ایدئولوگ‌هایی داریم... ما شخصیت علمی فکری روشن فکری برجسته‌ای مثل آقای مصباح یزدی را در قم داریم. (از فرمایشات مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) در دیدار با مسؤولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۸۴/۰۶/۲۸)

۳. عقبه تئوریک نظام

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در دیدار سال ۱۳۸۴ با مسؤولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم خواستار توجه این دفتر به عقبه‌های تئوریک نظام شدند و گفتند: توجه کنید که مجموعه‌ای از متفکران، علما و سابقه‌دارهای در امر دین، مدعی عقبه‌ی تئوریک نظام هستند و آن را تشکیل می‌دهند... الان ما در حوزه قم علمایی داریم، بزرگانی داریم، صاحب‌نظرانی داریم، اندیشه‌پردازان یا تئوریسین‌ها و ایدئولوگ‌هایی داریم که با دفتر تبلیغات هیچ ارتباطی ندارند... ما شخصیت علمی فکری روشن فکری برجسته‌ای مثل آقای مصباح یزدی را در قم داریم؛ یا یک ملای برجسته‌ی قوی مثل آقای جوادی آملی را در قم داریم؛ در بین آقایان مراجع هم کسانی هستند که در مسائل دینی حقیقتاً روشن‌فکر و صاحب‌نظر و صاحب‌فکر هستند؛ نه امروز و دیروز، از چهل سال پیش در بین بزرگان حوزه ما آن‌ها را می‌شناسیم که من نمی‌خواهم اسم بیاورم، ارتباط شما با آن‌ها چگونه تعریف می‌شود؟ شما عقبه‌ی فکری نظام هستید، آن‌ها هم هستند و بسیاری دیگر هم همینطور... سعی کنید این عقبه‌ی تئوریک نظام بودن تبدیل نشود به یک پستوی بسته و انحصاری که بی‌خبر از اطراف خودش باشد. (همان، ۲۰ مهر ۱۳۸۴، شماره‌ی ۲۹۹، ص ۸)

۴. بصیر به معنی حقیقی کلمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از آخرین سفرهای خود به شهر مقدس قم (اسفندماه ۸۹) ضمن حضور در منزل آیت‌الله مصباح یزدی، فرمودند: ...بنده هم به سهم خود قدر آقای مصباح را می‌دانم، واقعا می‌دانم که ایشان در کشور و برای اسلام چه وزنه‌ای هستند و حقا و انصافا ما امروز نظیر ایشان را -حالا به این تعبیر بگوییم- خیلی نادر، نظیر آقای مصباح ممکن است وجود داشته باشد با این وزانت علمی و عمق علمی و احاطه و وسعت و با این آگاهی و بینش و صفا. رهبر معظم انقلاب تصریح کردند: این سه جهت در ایشان جمع است؛ هم علم، هم بصیرت به معنای حقیقی کلمه و هم صفا. این سه تا با هم در وجود ایشان خیلی ارزشمند است. خداوند متعال انشاءالله وجود ایشان را برای ما و انقلاب محفوظ بدارد و وجود ایشان را سالم بدارد تا همه بتوانند از برکات ایشان استفاده نمایند. (منبع: سایت خبری رجانیوز)

۵. چهره برجسته‌ی عالم تشیع

رهبر معظم انقلاب در مورخ ۹ بهمن ۱۳۷۰ در حکم انتصاب آیت‌الله مصباح به عضویت شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع): ایشان را در شمار برجستگان رجال علمی و چهره‌های برجسته‌ی عالم تشیع

نام می‌برند.

(منبع: سایت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری)

۶. در دعوت از آقای مصباح، اصرار کنید!

پس از راه اندازی رادیو معارف صدای جمهوری اسلامی، رهبر معظم انقلاب در خصوص استفاده‌ی رادیو معارف از شخصیت‌های برجسته‌ی دینی در برنامه‌های خود، درباره شخصیت علمی آیت‌الله مصباح می‌فرمایند: از لحاظ معارف عقلانی و فلسفی اسلامی، ما امروز چه کسی را داریم؟ مثلاً آقای مصباح و آقای جوادی آملی را در قم داریم آن‌چه شما ارایه می‌دهید، باید از سطح این‌ها کمتر نباشد.

رهبر انقلاب با اشاره به فضل و دانش آیت‌الله مصباح، لزوم مشاوره با ایشان را لازم می‌شمارند و حتی بر استفاده از شاگردان ایشان نیز تأکید می‌ورزند: شما باید یک گروه مشاوره‌ی محتوایی از مناسب‌ترین شخصیت‌هایی که امروز می‌توانید پیدا کنید، داشته باشید مثلاً از آقای مصباح دعوت کنید و اصرار هم بکنید یا مثلاً از شاگردان آقای مصباح دعوت کنید. خوشبختانه یکی از موفقیت‌های آقای مصباح یزدی در قم، این است که ایشان برخلاف خیلی از فضالای ما که فضولشان در خودشان منحصر مانده، فضولش در شاگردان خوب سرریز شده.

(دیدار با اعضای گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۲/۱۳) سایت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری

۷. برکت ماندگار حوزه علمیه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در هفتم مهر ۱۳۷۴ در حکم انتصاب حضرت آیت‌الله مصباح یزدی به ریاست مؤسسه امام خمینی (ره) چنین می‌نگارند: اکنون که بحمدالله موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (اعلی‌الله مقامه) در سایه‌ی تلاش پیگیر و موفق جنابعالی رسمیت یافته و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، جنابعالی را که از برکات ماندگار حوزه علمیه قم و از چهره‌های موصوف و معروف به علم و عمل و جد و ابتکار می‌باشید به ریاست و مدیریت این مؤسسه منصوب می‌کنم... با توجه به احاطه و نکته دانی آن جناب، خود را از توصیه به کارهای بایسته بی‌نیاز می‌دانم و شما و همه همکاران هوشمند و دل‌سوزتان را به لطف و هدایت و فضل مستمر پروردگار متعال می‌سپارم. (ر.ک. اندیشه‌ی ماندگار، ص ۲۱۱)

۸. علامه طباطبایی و شهید مطهری زمان

مقام معظم رهبری در اوج حملاتی که در محافل و نشریات مختلف به آیت‌الله مصباح وارد می‌شد، فرمودند: بنده نزدیک به چهل سال است که جناب آقای مصباح را می‌شناسم و به ایشان به عنوان یک فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب‌نظر در مسائل اساسی اسلام ارادت قلبی دارم. اگر خداوند متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری استفاده کند، اما به لطف خدا این شخصیت عزیز و عظیم‌القدر، خلاء آن عزیزان را در زمان ما پر کرده است.

(ر.ک. گفت‌مان مصباح، مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

۹. دلسوزان اسلام قدردان ایشان باشند.

مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان شرکت کننده در طرح ولایت در سال ۱۳۷۹ فرمودند: این هجوم‌های تبلیغاتی را که به شخصیت‌های برجسته، به انسان‌های والا و با اخلاق برجسته می‌کنند، این‌ها همه‌اش نشان دهنده‌ی اهداف و نیات دشمن است. یک نفر مثل جناب آقای مصباح که حقیقتاً این شخصیت عزیز، جزو شخصیت‌هایی است که همه‌ی دلسوزان اسلام و معارف اسلامی از اعماق دل بایستی قدردان و سپاس‌گزار این مرد عزیز باشند، مورد هجوم تبلیغاتی قرار می‌گیرند. حرف رسا و نافذ، منطق قوی و مستحکم هر جایی که باشد، آنجا را دشمن زود تشخیص می‌دهد، چون حساب‌گر است دشمن آنجا را خوب می‌شناسد و به مقابله اش می‌آید. با مرحوم شهید مطهری (ره) هم همین جوری برخورد کردند. (ر.ک. گفت‌مان مصباح، مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

۱۰. مطالب کتاب شما علاوه بر مفید بودن، ضروری و لازم بود.

مقام معظم رهبری با اشاره به کتاب «آذرخشی دیگر از آسمان کربلا» که حاوی مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله مصباح در محرم ۱۴۲۱ قمری (س ۱۳۷۹) است، فرمودند: بنده این کتاب مربوط به عاشورا تقریباً همه‌اش را خواندم، مطالبی است لازم، نمی‌شود گفت مفید، بالاتر از مفید (است). مطالب ضروری و لازم است... این طور باز کردن قضایای عاشورا، به روز کردن این قضایا خیلی مفید است. در این ۷-۸ جلسه، بعضی از مطالب، مطالبی است که غیر از شما شاید کس دیگری نتواند، حداقل این طور نمی‌تواند، اصلش را هم حل کند، لاقبل این است که به این خوبی نمی‌تواند (از عهده‌ی بحث برآید).

(ر.ک. به فیلم دیدار در تاریخ ۷۹/۴/۶)

۱۱. مبانی فکری اسلام در دست ایشان

در تاریخ ۵ تیر ۱۳۸۰ نیز مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نونهالان و نوجوانان حافظ و قاری قرآن کریم فرمودند: من خواهش می‌کنم ایشان (حجت‌الاسلام طباطبایی) و مجموعه‌ی دست‌اندرکار به این نکته توجه کنند که پایه‌ی پیشرفت معلومات قرآنی و دینی این‌ها (حافظان و قاریان خردسال) آگاهی‌های استدلالی و عمق بخشیدن استدلالی به اعتقادات این‌ها را هم حتماً در برنامه قرار بدهید... به نظر من، یکی از چیزهایی که می‌تواند خیلی کمک کند به این قضیه، این است که از کتاب‌های شهید مطهری، از معارفی که امروز بزرگانی از قبیل آقای مصباح و دیگران که واقعا مبانی فکری اسلام دست این هاست: از این‌ها استفاده کنند حتی می‌شود این‌ها را ساده کرد، شما می‌توانید این کار را بکنید.

(ر.ک. گفت‌مان مصباح، مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

۱۲. منبع فکر و اندیشه‌ی معارف اسلامی.

مقام معظم رهبری بار دیگر در جمع دانشجویان و دانش‌آموزان طرح ولایت در سال ۱۳۸۱ فرمودند: لازم است تشکر کنیم از معلمان و استادان و دست‌اندرکاران و مدیران این تلاش فرهنگی که بسیار با ارزش است و مخصوصاً از شخص جناب آقای مصباح که حقیقتاً یکی از وجودهای مبارک و معتتم در دوره‌ی ما هستند و منبع فکر و اندیشه‌ی بی‌غل و غش معارف اسلامی، بان‌شاه‌الله خداوند به ایشان و دیگر دست‌اندرکاران توفیق ادامه‌ی این خدمت بسیار با ارزش را عنایت کند و وسیله‌ی بهره‌مندی هر چه بیشتر، گسترده‌تر و عمیق‌تر جوانان را از این سرچشمه‌های معرفت فراهم کند. (همان، ۴ شهریور ۱۳۸۱، ش ۱۴۳)

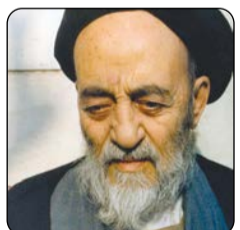
۱۳. تجلیل از فضل، اخلاص و تقوای

در جریان سفر تاریخی مقام معظم رهبری به قم در سال ۸۹ مدیر، مسئولان و اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار با ابراز خرسندی فراوان از تلاش‌های عمیق مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی ابراز داشتند: این مؤسسه خوب، جامع و کامل می‌تواند از لحاظ تلاش پیگیر، خستگی‌ناپذیر، خالصانه و عالمانه الگویی برای حوزه باشد. ایشان با تجلیل از فضل، اخلاص و تقوای آیت‌الله مصباح یزدی، وجود این کمالات را در مدیریت یک مؤسسه موجب افزایش برکات الهی خواندند. (پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۸۹/۸/۳)

۱۴. فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب‌نظر در مسایل اساسی اسلام

جناب آقای مصباح -من ایشان را نزدیک به چهل سال است می‌شناسم و به ایشان ارادت قلبی دارم؛ فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب‌نظر در مسایل اساسی اسلام. اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مثل مرحوم علامه طباطبایی، یا مرحوم شهید مطهری استفاده کنیم اما بحمدالله این شخصیت عزیز و عظیم، خلاء آن عزیزان را در زمان ما پر می‌کنند. من حقیقتاً خدا را حمد و شکر می‌کنم که جامعه‌ی ما و بخصوص نسل جوان ما به ایشان خیلی علاقه دارند. بنده از هر جا که کسب خبر کردم -در سرتاسر کشور- اطلاع پیدا کردم که نسل جوان ما به ایشان شدیداً علاقمند و معتقد و قدردارند؛ این هم نعمت بزرگ خدا و دلیل سلامت این کار است. وقتی انسان با روح و با هدف خدایی وارد میدان شد، همین جور می‌شود. (مقام معظم رهبری - ۸۶/۱۳ - جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت)

علامه طباطبایی (قدس سره):



آقای مصباح از بین شاگردان من مثل انجیردر میان سایر میوه‌هاست، که فکر او هیچ چیز دور انداختنی و زایدی ندارد. (زندگینامه آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۲۸۳ - انتشارات پرتو ولایت)

آیت‌الله بهجت (ره):



آقای مصباح یزدی مورد تایید من است. بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می‌خواهم که درس اخلاق را بیان کنند. (حقیقت شرق، ص ۷۰)



## پیام‌های تسلیت

### پیام تسلیت مقام معظم رهبری



بسم الله الرحمن الرحيم  
با تأسف و تأثر فراوان خبر درگذشت عالم ربانی، فقیه و حکیم مجاهد، آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدتقی مصباح یزدی را دریافت کردم. این، خسارتی برای حوزه‌ی علمیه و حوزه‌ی معارف اسلامی است. ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویایی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند. خدمات ایشان در تولید اندیشه‌ی دینی و نگارش کتب راه‌گشا، و در تربیت شاگردان ممتاز و اثرگذار، و در حضور انقلابی در همه‌ی میدان‌هایی که احساس نیاز به حضور ایشان میشد، حقا و انصافاً کم‌نظیر است. پارسائی و پرهیزگاری خصلت همیشگی ایشان از دوران جوانی تا آخر عمر بود و توفیق سلوک در طریق معرفت توحیدی، پادشاه بزرگ الهی به این مجاهدت بلند مدت است.

اینجانب که خود سوگوار این برادر قدیمی و عزیز میباشم، به خاندان گرامی و فرزندان صالح و دیگر بازماندگان ایشان و نیز به شاگردان و ارادتمندان این معلم بزرگ و به حوزه‌ی علمیه تسلیت عرض میکنم و علو درجات ایشان و مغفرت و رحمت الهی را برای ایشان مسألت می‌نمایم

سیدعلی خامنه‌ای ۱۳ دی ماه ۱۳۹۹

### پیام تسلیت آیت‌الله نوری همدانی

درگذشت آن عالم متقی بی شک ثلمه عظیمی است که به راحتی قابل جبران نخواهد بود

علمیت ایشان در ابعاد مختلف، تواضع و اخلاص، تقوی و زمان شناسی، صراحت لهجه در دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب موجب برجستگی آن مرحوم بود.

تربیت شاگردان فراوان و تأسیس مرکز علمی و پژوهشی امام خمینی رحمت الله علیه و آثار قلمی متعدد و بیان مناظره‌های مستدل و محکم از خصوصیات ویژه ایشان بود.

و در بیان دیگر مرحوم آیت الله مصباح سراسر عمر با ارزش خود را در راه ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام سپری کرد و هیچ کوششی دریغ نکرد و می‌تواند بعنوان یک الگوارزنده برای طلاب محترم باشد

ارتحال این دانشمند محترم و فقیه با اخلاص رابه ساحت مقدس حضرت بقیة الله امام عصر عجل الله تعالی مقام معظم رهبری، حوزه‌های علمیه و مجامع دیگر علمی و به شاگردان و ارادتمندان ایشان بویژه همسر و فرزندان و داماد محترمشان تسلیت عرض نموده و علو مقام برای آن فقید سعید مسألت می‌نمایم

حسین نوری همدانی ۱۷ جمادی الاول ۱۴۴۲

### پیام تسلیت آیت‌الله مظاهری

بسم الله الرحمن الرحيم  
«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

ارتحال عالم حکیم و متفکر توانا مرحوم حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدتقی مصباح یزدی «رضوان الله تعالی علیه» موجب تأسف و تأثر گردید.

ایشان فیلسوفی صاحب نظر و استادی میرز و یکی از شاگردان ممتاز و برجسته استاد عظیم الشان حضرت علامه طباطبائی «قدس سره الشریف» بودند که سال‌هایتمادی از عمر مبارک خود را در ترویج و توسعه معارف قرآنی و حکمت اسلامی و نیز تعلیم و تربیت شاگردان عالم و پر شمار و همچنین تألیف آثار فراوان و ماندگار در ساحت اندیشه دینی و فلسفه اسلامی سپری ساختند.



حسین المظاهری  
۱۸ جمادی الاولی / ۱۴۴۲  
۱۳ دی ماه / ۱۳۹۹

### شهید بهشتی (رحمة الله علیه):



دوست عزیز و دانشمند محترم... خیلی زودتر از این می‌خواستیم برای شما نامه بنویسم ولی در پی ساعت دنجی بودم که بتوانم با آقای مصباح که «مصباح دوستان» است با فکری فارغ گفتگو کنم و از این گونه ساعت‌ها کم‌بهره بردهام.  
(گفت‌وگو مصباح ص ۲۸۴ مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

### مرحوم آیت‌الله مشکینی:



امثال بنده نباید تعریف بکنند. ایشان از اساتید بزرگ حوزه است ... در همین شهر قم کارهای انقلابی عظیمی انجام شد که سه چهار نفر از دوستان، از جمله آقای مصباح بودند که وقتی صبح همه می‌آمدیم می‌گفتیم این نشریه از کیست؟ این نشریه کجا بوده است که در داخل همه‌ی حجره‌ها انداختند و همه می‌خواندند؟ در حالی که تهیه کننده‌ی آن همین تعداد بودند و بخشی از آن به قلم مقدس همین استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله مصباح بود. این شخصیت روحانی و بزرگوار همیشه مدافع انقلاب بوده است. مدافع اسلام بوده است. حوزه‌ی علمیه مقاومتش را می‌شناسد. امروز یکی از اعضای محترم شورای انقلاب فرهنگی کشور است. در حقیقت یک استاد شناخته شده، یک روحانی وارسته یک روحانی شایسته که زندگی شخصی او در حد زندگی افراد متوسط و متعارف است.  
(همان، ص ۱۷۵)

### مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی



خواندید که این‌ها با حضرت آیت‌الله مصباح چه کار کردند؟ ایشان، استاد بودنش آیت‌الله بودنش، پاک بودنش جای اشکال نیست. چه توهین‌ها کردند، چه حرف‌ها زدند! (پاسدار حکیم، انتشارات نجابت)

### آیت‌الله جوادی آملی



ایشان در سمینار بزرگداشت شیخ فضل الله نوری، پس از سخنرانی حضرت آیت‌الله مصباح ضمن تشکر و قدردانی درباره‌ی آیت‌الله مصباح فرمودند: روحی له الفداء.

(زندگینامه آیت‌الله مصباح ص ۲۸۴ - انتشارات پرتو ولایت)

### آیت‌الله مظاهری:



امروز خدمت به آیت‌الله مصباح خدمت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. هر کس هر اقدامی از دستش بر می‌آید باید انجام دهد.  
(کتاب: پاسدار حکیم)

### آیت‌الله حسن زاده (دام ظلّه):



آقای مصباح انسان زحمت کشیده‌ای است. من با ایشان هم درس و هم بحث بودم. خدا را شاهد می‌گیرم که پشت سر ایشان نماز می‌خوانم.  
(پاسدار حکیم، انتشارات نجابت)

### آیت‌الله یزدی:



شخصیت آیت‌الله مصباح یک شخصیت ناشناخته‌ای نیست. من باید از ایشان تعریف کنم؟! ایشان آن قدر مقامش بالاست که



**پیام تسلیت آیت‌الله صافی گلپایگانی**

بسم الله الرحمن الرحيم  
رحلت عالم ربانی آیت‌الله آقای حاج‌شیخ‌محمدتقی مصباح یزدی ره، موجب تأثر گردید.  
شخصیتی که با تلاش و جدیت خود به مراتب بالای فضل و علم در حوزه علمیه رسید و به مقام استادی برجسته حوزه نائل گردید.  
تأسیس مراکز علمی و مذهبی و مشارکت در تشکیل آن‌ها، مانند مرکز فرهنگی مذهبی وزین «در راه حق»، سخنرانی‌های ایشان از نیم قرن پیش در حوزه علمیه قم، و تفکر ولایی و مبارزه با بدعت‌ها در آن زمان و بعد از آن، همه نشان از شدت ارادت به نشر معارف نورانی اهل‌البيت عليهم السلام و روحیه حماسی و جهادی وی دارد.  
این مصیبت را به شاگردان و دوستداران ایشان و به فرزندان فاضل و داماد ارجمندشان تسلیت گفته، رحمت و رضوان الهی برای آن مرحوم و صبر و اجر برای بازماندگان از خداوند متعال مسئلت دارم.  
لطف‌الله صافی ۱۸ جمادی‌الاولی ۱۴۴۲



**پیام تسلیت آیت‌الله جنتی**

بسم الله الرحمن الرحيم  
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَلَّمَ فِي الْإِسْلَامِ تَلْمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ  
رحلت عالم ملکوتی، فقیه بصیر و فیلسوف مجاهد مرحوم علامه آیت‌الله آقای حاج‌شیخ‌تقی مصباح یزدی «قدس سره» عضو مجلس خبرگان رهبری، موجب کمال تأثر و تأسف گردید.



مرحوم آقای مصباح که از شاگردان میرز حضرت امام و علامه طباطبائی رضوان‌الله علیهما و از ذخایر اسلام و انقلاب بود در عرصه‌های مختلف نظام

مقدس اسلامی، از جمله مجلس خبرگان رهبری، شورای عالی انقلاب فرهنگی و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با روحیه‌ای انقلابی به عنوان یک متفکر و صاحب نظر حاضر شد و با نظریه پردازی، ارائه آثار علمی و تربیت شاگردان فراوان، همواره یار و یاور انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب «مدظله‌العالی» بود و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب «اگر خداوند متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مانند علامه طباطبائی و شهید مطهری استفاده کند، اما به لطف خدا این شخصیت عزیز و عظیم‌القدر، خلاء آن عزیزان را در زمان ما پر می‌کند».

از ویژگی‌های بارز ایشان این بود که به مصداق آیه شریفه «لَمَّا يَخْشَى اللَّهُ مِنَ الْعُلَمَاءِ» بی‌واهمه بر اعتقاد و باوری که داشت می‌ایستاد و مدح و ذم دیگران در او تأثیری نداشت. این جانب خاضعانه این مصیبت مؤلمه را محضر مبارک حضرت ولی عصر (عج)، مقام معظم رهبری، حوزه‌های علمیه، علمای اعلام، شاگردان و ارادتمندان به ویژه خانواده و فرزندان فاضل ایشان تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند سبحان برای آن مرحوم روح و رضوان الهی و برای بازماندگان و علاقمندان ایشان صبر و اجر و توفیق ادامه راه این شخصیت انقلابی و با بصیرت را مسئلت دارم.

**پیام تسلیت آیت‌الله مکارم شیرازی**

بسم الله الرحمن الرحيم  
خبر رحلت عالم ربانی، مجاهد خستگی ناپذیر حضرت آیت‌الله آقای حاج‌شیخ‌محمدتقی مصباح موجب تأثر و تأسف گردید. عالمی فرزانه، فاضل و با تقوا که همواره از نظام اسلامی دفاع نمود. شاگردان فاضلی تربیت کرد و سخنرانی‌های بسیار سودمندی داشت و زندگی او سراسر خدمت به اسلام و مکتب اهل بیت (ع) بود.  
این جانب این ضایعه‌ی بزرگ را به حوزه‌های علمیه، شاگردان و خصوصاً بیت مکرّم ایشان تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات او را از خداوند مسألت نموده و برای تمامی وابستگان ایشان صبر و اجر فراوان خواهانم.  
والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته  
قم - ناصر مکارم شیرازی



**پیام تسلیت آیت‌الله جوادی آملی**

بسم الله الرحمن الرحيم  
انا لله وانا اليه راجعون  
ارتحال عالم مجاهد جامع معقول و منقول استاد مسلم حوزه‌های علمیه آیه الله حاج محمدتقی مصباح یزدی را به رهبری معظم انقلاب و مراجع عظام تقلید و شاگردان و عموم علاقمندان تسلیت، علو درجه آن متفکر راحل و صبر جمیل و اجر جزیل بیت مکرّم ایشان از خدای سبحان مسئلت می‌شود.



**پیام تسلیت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم**

بسم الله الرحمن الرحيم  
انا لله وانا اليه راجعون  
رحلت فقیه عالیقدر و اندیشمند بزرگ جهان اسلام حضرت آیت‌الله حاج‌شیخ‌محمد تقی مصباح یزدی (رضوان الله علیه) عضو برجسته، موثر و دیرینه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم موجب تألم و تأثر بسیار گردید. این عالم ربانی با قدرت اجتهاد و اندیشه صائب خود در جهادی عالمانه به مقابله با تفکرات الحادّی غرب و انحرافات فرهنگی پرداخت و اندیشه ناب اسلامی را روشن و پاکیزه به جامعه ارائه کرد.



تسلط ایشان به علوم نقلی و عقلی و همچنین توانمندی‌های فکری و اندیشه‌ای این عالم متخلق، نقش به‌سزایی در رشد فکری و هویتی فضلالی حوزه داشته است.

این عالم عارف که از پایه‌گذاران تحول در حوزه و علوم انسانی بود در ایجاد پیوند بین حوزه و دانشگاه نیز نقشی موثر و شایسته داشت.

بینش بالای سیاسی و خلوص انسانی این عالم شجاع و مبارز تصویری روشن و واقعی از ابعاد مختلف شخصیت این اندیشمند بزرگ است. این استاد برجسته علوم اسلامی با ذهنی عمیق و جامع‌نگر اندیشه‌های فلسفی را در پرتوی از نور توحید و معنویت به جویندگان و طالبان حقیقت ارائه می‌کرد. درس‌های اخلاق عارفانه و سلوک زاهدانه این معلم اخلاق، طلاب جوان را با ایشان مانوس و جمع‌کنی‌ری را از اخلاق، عرفان، معنویت و معارف الهی بهره‌مند کرده بود.

مبارزات انقلابی و همراهی بی‌نظیر ایشان با امام و رهبری و همچنین کوشش وافر علمی در دفاع و حمایت از ولایت فقیه از میزهای این شخصیت انقلابی است. منطق قوی و مستحکم آیت‌الله مصباح یزدی در نقد جریان‌های سیاسی آلوده موجی از اهانت‌ها و هتاک‌ها

**پیام تسلیت آیت‌الله رئیسی**

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَلَّمَ فِي الْإِسْلَامِ تَلْمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»  
ضایعه ارتحال فقیه انقلابی و حکیم وارسته حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی رحمت الله علیه، مصیبتی جانکاه برای حوزه‌های علمیه و علاقمندان و دوستداران انقلاب اسلامی بود.  
این عالم ربانی، که از ارکان تبیین و ترویج حکمت متعالیه اسلامی در دوران معاصر و از وارثان میرز علامه طباطبائی به شمار می‌رفت، در وادی سلوک اخلاقی و عرفانی نیز در مقام همنشینی با بزرگان اخلاق و عرفان همچون مرحوم آیت‌الله بهجت خود به استادی بزرگ و هدایت‌گر در عرفان و اخلاق عملی مبدل شد تا هدایت‌گر هزاران جان عاشق به سمت معبود باشد.  
اما شأن و رتبه عالی آیت‌الله مصباح یزدی در حکمت، فقه، عرفان و اخلاق که به تعبیر رهبر معظم انقلاب خلاء علامه طباطبائی و شهید مطهری را در دوران ما پر می‌کند، موجب نشد تا این معلم بزرگ به درس و بحث بسنده کند بلکه آنچه را در مقام علم آموخته بود، در مقام عمل در دفاع از انقلاب اسلامی و رکن رکن ولایت فقیه بذل کرد، به نحوی که در مقابله با هجمه فکری غرب و غرب‌گرایان، در کنار تربیت شاگردانی مهذب، هزاران هزار جوان دغدغه‌مند را به سلاح دفاع از ارکان معرفتی انقلاب اسلامی مجهز و به سدی محکم در برابر این هجوم مبدل کرد.



شجاعت این فقیه برجسته در بیان حق و حقیقت و بی‌توجهی به ملامت‌کنندگان و از سوی دیگر غیرت این مرد بزرگ در دفاع از ولایت حقه فقیه، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، به میزانی موثر و عمیق بود که او را به خار چشم دشمنان این نظام و انقلاب مبدل کرد تا از هیچ تلاش و کوششی برای تخریب و ترور شخصیت این عالم وارسته کوتاهی نکنند.  
این جانب ضایعه فقدان این حکیم، فیلسوف و استاد عرفان و اخلاق را به امام زمان ارواحنا له الفداء، رهبری معظم انقلاب اسلامی، حوزه مقدسه علمیه قم، شاگردان، ارادتمندان، همسر گرامی، فرزندان و وابستگان ایشان تسلیت گفته، برای این عالم وارسته علو درجات و اجر همه دوستداران آن مرحوم، صبر و اجر را مسئلت دارم.

و السلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته  
سیدهاشم حسینی بوشهری  
رییس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم





حکیم مجاهد، عالم ربانی و معلم بزرگ  
حضرت علامه محمدتقی مصباح یزدی قدس سره